بسمه تعالی

شماره آرشیو : 1291

میدانیم که مسئله ی حج و عمره اینها دو عمل عبادی مستقل جدا از هم هستند.یکی عبادت حج است و دوم عبادت عمره.این کلمه ی حج عمره که گفته می شود این تعبیر،تعبیر درستی نیست.حج خودش عبادتی ست مناسک مخصوص به خود دارد.عمره هم عبادتی ست مناسک مخصوص به خود دارد.عمره 5 عمل مناسکش است و حج 13 عمل مناسک دارد.از هم جدا هستند و حج هم سه قِسم دارد.حالا تفصیل جای خودش،حج تمتع،حج اِفراد و حج قِران.اون کسانی که از 16 فرسخ و بیشتر با مکه فاصله دارند،وظیفه ی اینها حج تمتع است.اون کسانی که از 16 فرسخ به مکه نزدیک ترند اونها حجشان،حج قِران یا اِفراد است.حالا با هم فرقی هم دارند در مقام بحث اون نیستیم.چون گاهی از اوقات پیش میاد برای افرادی که امثال ما از راه دور می روند و وظیفه شان حج تمتع است گاهی پیش میاد که وظیفه شان مبدل میشه به حج اِفراد.برای خانم ها این زیاد پیش میاد.حالا چون مبتلابه است شاید افرادی که عازمند برایشان پیش بیاد اون کسانی که مکه قبل از مدینه مشرف می شوند برای آنها ممکنه پیش بیاد.مثلا روز سوم ذی حجه کسی مثلا خانمی مُحرم میشه به احرام،به احرام عمره و این اگر حایض باشد چون حیض با احرام منافاتی ندارد ممکنه در حالی که حیض است مُحرم بشه یا مُحرم بود و حایض شد لطمه ای به احرامش نمیخوره.منتهی وقتی که روز سوم ذی حجه مثلاً رسیده به میقات میخواد مُحرم بشود و همان روز هم حایض شده عادتش هم 7 روزه.خب این تا بخواد از این عادت بیرون بیاد روز عید از عادت بیرون میاد از حیض،روز عید قربان و این نمی تواند عمره انجام بده چون حج تمتع عمره اش مقدم بر حج هست و حج اِفراد عمره اش موخر از حج هست ما که از راه دور میریم وظیفه مان حج تمتع هست و عمره تمتع هم مقدم بر حج است و این خانمی که روز سوم ذی حجه محرم شده و حایض هم شده این بخواد 7 روز در حال حیض بماند روز عید خواهد بود و این موفق به انجام عمره نخواهد شد. اینجاست که وظیفه اش مبدل میشه به حج اِفراد.این دیگه حج تمتع نمیتونه انجام بده این حجش مبدل به حج افراد میشه و حج افراد عمره اش موخر از حج است دیگه قبلا نمیتونه عمره انجام بده و بنابراین چنین زنی اگر چنانچه بخواهد مُحرم بشود، اینجا بعضی آقایون فقها احتیاط می کنند که نیت که می کند نیت مقید نکند که این برای عمره است یا برای حج افراد.بگه اون چه بر من واجب است محرم می شوم با همون احرامی که بر من واجبه.حالا ممکنه احرام عمره مفرده باشد حج افراد باشد یا عمره تمتع باشد نیت افراد یا حج عمره تمتع نکند و بعضی هم می فرمایند که باید حج افراد نیت کند چون در اینجا می داند که موفق به به عمره نخواهد شد.قبل از عید قربان و قبل از عرفه موفق به عمره نخواهد شد.از حالا باید همون حج افراد نیت کند.به هر حال این وظیفشه حالا بخواد احتیاط کند باید احتیاطا معین نکند که این احرام عمره تمتع است یا حج افراد هست.بگه اونی که بر من واجبه محرم میشوم به احرامی که بر من واجبه در واقع حالا عمره تمتع است یا حج افراد هست یا اینکه نیت حج افراد کند حالا این وظیفه اش به این کیفیته.وقتی که مُحرم شد به احرام حج افراد بعد میاد به مکه و در حال حیض است؛ این دیگر اعمالی ندارد یعنی عمره انجام نمی­دهد باید صبر کند تا برود به عرفات وقوف عرفه را انجام بدهد و در همان حال حیض است و بعد هم روز عید قربان و اعمال و مناسک انجام میشه بعد وقتی طاهر شد از حیض بیرون آمده،میاد به مکه و مناسک مکه را انجام میده یعنی طواف حج و بعد نماز طواف و بعد سعی و بعد طواف نساء.اینها را انجام میده و بعد دوباره عمره ی مفرده باید انجام دهد یعنی بعد اینکه مناسک حج تمام شد باید بره به أدن الحل که همون تعنیم مثلا اونجا محرم بشه به احرام عمره ی مفرده که این حج او، حج افراد شد یعنی دیگه حج تمتع انجام نشد حج افراد شد و یکی از فرق هایی که حج افراد با تمتع دارد اینه که قربانی ازش ساقط است یعنی اگر زنی چنین عملی انجام داد به این کیفیت دیگه روز عید قربان،قربانی ندارد چون قربانی مال حج تمتع است.حج افراد قربانی ندارد.چون این خانم هم حجش مبدل به حج افراد شده است این دیگه روز عید قربان هم قربانی ندارد و همینطور که عرض شده مُحرم میشه به این احرام و با همین احرام بعد می رود به عرفات و مناسک منا انجام میشه برمیگرده مناسک مکه را هم بعد که به حال طُهر درآمده مناسک مکه که طواف و اینهاست انجام میده وقتی طواف تمام شد میره به أدنی الحل که تنعیم مثلا اونجا محرم میشه احرام عمره مفرده.برمیگرده احرام عمره مفرده انجام میده.این پیش میاد برای خیلی از خانم هایی که حج تمتع وظیفه دارند ولی اونجا مبدل میشه به حج افراد به این کیفیت.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿۱﴾

سوره ی مبارکه ی انبیاء ترجمه میشد آیات شریفه اش این تمام شد.بعد سوره ی انبیاء سوره مبارکه­ی حج است و چون در این سوره یک قسمتی از آیات مربوط به حج است به این جهت سوره هم به نام سوره­ی حج نامیده شده.حالا از سوره های مکیه است یا از سوره های مدنیه مورد اختلاف است بین مفسرین.محتملا سوره مکیه است و احتمالا هم سوره مدنیه است و شاید یک قسمتی از آیات مدنیه باشد در مدینه نازل شده و قسمت عمده هم در مکه نازل شده.حالا به هر حال این سوره ی مبارکه با این دو آیه شروع می شود که راجع به قیامته و لحن آیات هم خیلی تکان دهنده است یا ایها الناس اتقوا ربکم خطاب به مردم هم هست یا ایها الذین ءآمنوا هم نیست.مردم حالا هر که هست هر انسانی هست اتقوا ربکم شما به هوش بیایید و دو مطلب را تحصیل کنید.امر به اتقوا ربکم حساب از رب است.یعنی باید بکوشد تا رب خود را بشناسد.این وظیفه ی هر انسان عاقلیه.حالا کاری به مومن نداریم هر انسانی که عقل دارد فکر دارد خب در این عالم که دارد زندگی می کند این به حکم عقلش باید بیاندیشد.حیوان که نیست،انسان است باید بیاندیشد.خب حیوان تفکر ندارد اون فقط بله حال نباتی دارد و رشد می کند نمو می کند و بعد روح حیوانی هم دارد که حساسیت دارد و حرکت دارد همین مقدار.اما دیگه حالا او که تفکر نمی کند که مبدا و منتهای عالم بفهمد که این عالم از کجاست به کجاست.او نمی فهمد اما انسان که می فهمد.خب انسان که می داند یه سفره ای که چیده اند اول می پرسه که مال کیه همینطور نشستن و خوردن و برخاستن فرار کردن این که وظیفه ی انسان که نیست که.اون حیوانی که فقط مقابلش جو یی علفی کاه جلویش می ریزند و می خورد و کاری هم ندارد مال کیه اصلا این کاری ندارد به این که از کجا آمده.حالا از هر جا آمده اون کاه و یونجه و علف می خورد و دنبال کارش می رود.اما انسان که این نیست انسان می فهمد که این از کجاست مال کی هست؟ کی چیده شده نباید این را بفهمد؟کلمه ی رب به میان آمده یعنی تو انسانی تو متفکری.هر متفکری باید بیاندیشد که من کی هستم؟چی هستم؟از کجا آمده ام؟کی آورده؟به کجا می روم؟ رحم الله امرء اعد لنفسه و استعد لرمسه و فَکَّرَ من أین؟فی أین؟و الی أین؟آدم عاقل اینه،که بیاندیشد از کجا آمده ام به کجا می روم از چه راهی بروم؟ولذا ربِّ.تو که می فهمی که تو را کسی می چرخاند می گرداند تر و خشکت می کند.تو خود که خود را نیاورده ای.کسی تو را آورده کسی تنظیمت کرده.کسی تدبیرت کرده و الان هم دست همان کس هستی.هر وقتی بخواهد کورت می کند، کَرت می کند عقل و شعورت را می گیرد.نگفتند اون کیه؟خب ربِّکم. اون کس که تو را می چرخاند رب همانه دیگه.اونی که اداره ات می کند اونی که نفس به تو می دهد اونی که در رحم مادر در تاریک ترین خانه ی رحم بی اختیار تو صورتگری کرده روی نطفه چشمت داده گوشَت داده عقل و هوشت داده است همان را نباید بفهمی؟رب شما همان است اول او را بشناسید بعد هم اتقوا برنامه ای که او تنظیم کرده عمل کنید تا به اون هدفی که از خلقت شما است تامین شده باشد.پس این اتقوا ربکم دو دستور می دهد؛همین جمله ی کوتاه.یکی راجع به معارف است که همان ربکم یکی هم مربوط به احکام عملی ست اتقوا.تقوا برنامه عملی ست.رب مسئله ی اعتقادیه.اتقوا ربکم ایها الناس انسان این دو مطلب را تحصیل کن.یکی اینکه مسئله ی ربوبیت چرخاننده ات گرداننده ات اونی که تو را گاه خوشحالت می کند گاه غمگین ات می کند گاه خوابت می کند گاه بیدارت می کند.گاه مطلبی یادت می دهد گاه از یادت می برد همان کس اون ربّه دیگه.او را اول بشناس و بعد هم چون می بینی که همون ربی ست که عالم را اداره می کند تا اونجا که دست او رفته زیبا رفته خود را به دامن او بیافکن.بگو وجهت وجهی للذی فطر السماوات و الارض همان قدرتی که دارد آسمان ها و زمین را می چرخاند و زیبا هم می چرخاند من خود را به دامن او افکندم.او را بشناس خود را به دامن او بیافکن او تو را بچرخاند.او تو را بگرداند.تحت ولایت او درآی.اونوقت ببین این آسمان و زمین که تحت ولایت او چه جور منظم می چرخد؟خود وجود تو تا اونجایی که در اختیار او بود چقدر زیبا ساخته شده؟چشم خوب ابروی خوب بینی درست لب و دندان درست کلیه و کبد درست همه اش منظمه.همین که به دست خودت افتاد خراب می کنی.تا اونجائی که دست او کار کرده منظم کار کرده.نیمه اختیاری که به شما داده همین نیمه اختیار که دست شما رسید خرابش می کنی.هروئین می شود و افیونی می­شود و بدبختی به وجود می آورد و بله چون دست خود آدمی افتاده پس ببین رب تو زیبا می چرخاند او را بشناس بعد اتقوا خود را به دامن او بیافکن تا خوب اداره ات کند.این حساب ناس است تنها به الذین ءآمنوا هم نیست.یا ایها الناس اتقوا ربکم ای انسانها کسی که بشر هستی و سر دو پا راه می روی و عقل داری و فکر داری این مطلب را تحصیل کن.یکی مسئله ی اعتقاد یکی مسئله ی عمل. اتقوا ربکم مطمئن باشید پایان کار شما می رسد به یک روزی که انقلابی عجیب در این عالم بوجود خواهد آمد.برای اون روز خودتان را آماده کنید اِنَّ زلزلة الساعة شیءٌ عظیم مطمئن باش اون روزی که که تَزَلزّل و اضطراب و دگرگونی بر پیکر این عالم خواهد افتاد چیز عظیمی ست اِنَّ زلزلة الساعة شیءٌ عظیم . یکی از اسامی روز قیامت ساعت هست.حالا چرا ساعت گفته می شود؟محتملا چون به سرعت حادث می شود حاصل می شود بغتةً شاید از این نظر گفته می شود حالا وجوهی هم گفته شده به هر حال از اسمی قیامته.روز قیامت زلزله ای دارد آن زلزله، شیءٌ عظیم چیز بزرگی حادثه ی عظیمیه.خب در دنیا هم زلزله پیش میاد اما خب محدود است از جهت شدت و قوت و هم از جهت مکان هم محدوده.یک گوشه ی زمین می لرزد و بقیه آرامه؛ این جور نیست همه جا بلرزد.این گوشه هم لرزیده یک درجه ای دو درجه ای سه درجه ای این شدت خیلی ندارد.اما روز قیامت زلزله ای ست که همه جائیه.همه جا خواهد لرزید.تمام کره ی زمین یک دفعه دگرگون می شود. زلزلة الساعة شیءٌ عظیم و لذا در سوره ی زلزال هم اذا زلزلة الارض زلزالها زمین یک روز زلزال مخصوص به خود دارد.این زلزالها یعنی اون لرزه و اون زلزال عجیبه.زلزالی که مناسب با شأن زمین است،زلزالها.زمین یه زلزال خاص به خودش دارد که در این عالم نه شما نمی بینید.اون روز که برسد زلزال خود را نشان می دهد و اخرجت الارض اثقالها تمام اون بارهایی که سنگینی که در دل دارد بیرون خواهد افکند.خلاصه اون شیء عظیمیه.اون قدر عظیمه که یوم ترونها تذهل کل مُرضِعَة عمّا ارضعت اون روزیست که وقتی اون زلزله را بوجود بیاورد، چنان دهشت دارد و چنان حیرت در آدمی ایجاد می کند که هر زن شیردهی از کودک شیرخوارش غفلت می کند یوم ترونها تذهل کل مُرضِعَة عمّا ارضعت کلمه مُرضِعَة یعنی زن شیرده.حالا یه اصطلاحی اهل ادب دارند که می گویند که صفات مختصه نیازی به حرف تانیث ندارد.صفات مشترک احتیاج به تذکیر و تانیث دارد.میگیم فلان چیز مذکر یا مونثه در صفات مشترکه است.میگیم قائم به مرد میگیم قائم در زن قائمه گفته می شود که تاء تانیث چون صفت مشترکه است اما صفات مختصه نمیخواد دیگه تاء تانیث؛ مثلا نمیگیم حامله میگه مرد حامل که نداریم میگیم زن حامله که تاء تانیث داشته باشد که برای امتیاز باشد.میگیم حامل میگیم زن حامل است.اگر حامله گفته میشه غلط ادبی دارد حامله درست نیست.زن حامل است عاقر مثلا نازا این صفت مختص به زنه.بله همچنین مُرضِعَ همینطوره. مُرضِعَ زن شیرده؛ زن شیرده خوب مُرضِعَ دیگه. حالا مُرضِعَة گفته شده تعبیر شده در آیه شریفه احتمالا گفته اند شاید اشاره به اون حالت ارضائش باشد یه وقت میگیم فلان زن شیردهه.یعنی اهلیت شیر دادن دارد ولو الان شیر نمیده.الان خوابیده مثلا الان خوابیده در حال شیر دادن نیست ولی خب این مرضع است.یعنی این زن شیردهه دیگه.یعنی بچه دار است و پستانش شیر دارد و میشه شیر بده.آخه یه وقت در حال شیر دادنه یعنی پستان به دهان کودک نهاده و در حال شیر دادنه.در این حال میگیم مرضعه. در اون حالی که الان اشتغال به شیر دادن ندارد میگیم مرضع.این زن مُرضِع است.یعنی زنی که بچه دارد و شیر میده شیردهه.اما حالا که شیر نمیده اون موقعی که پستان به دهان کودک نهاده میگیم مُرضِعَة و این شدت دهشت را نشان میده که روز قیامت اون دهشت و وحشت به قدری عظیمه که مادر در حالی که پستان به دهان بچه ی خود نهاده در حال شیر دادنه در همون حال از شیر خوار غفلت می کند.خب همیشه اینجوری است که مادر خودش سپر بلای فرزندش قرار میده.حاضر می شود که خودش به بلا بیفته ولی بچه از بلا نجات پیدا کند چه می شود که این حال پیش میاد؟چنان می شود که بچه را رها می کند که خودش از عذاب نجات پیدا کند تذهل کل مُرضِعَة عمّا ارضعت که حتی عمّا هم تعبیر شده عمّن تعبیر نشده که اون انسان "مَن" گفته میشه کل مُرضِعَة عمّن ارضعت گفته میشه ولی عمّا ارضعت یعنی به قدری دهشت او را میگیره که اصلا این چی هست؟گویی که دیگه کس بودنش هم معلوم نیست.چی هست؟اون از شدت دهشت، مثل اینکه "من" هم تعبیر به "ما" می شود و در حال ارضاء غفلت می کند.یعنی به قدری عظیمه که اگر بنا بشود حالا مقدار عذاب بیان می شود دیگه و الا آن موقع که کسی شیر نمیده در اون وا نفسای قیامت دیگه زنی نیامده بایستد که به بچه اش شیر بده تا بگیم که فرار کرده رها کرده این مقدار دهشت عذاب نشان داده میشه.این اگر بنا بود اون عذاب در همین دنیا پیش بیاد زن در حال شیر دادن بچه اش باشد اونقدر عظیمه که رها می کند.بچه شیر خوار خودش فرار می کند.ولو اینکه اونجا کسی در حال شیر دادن نیست این مقدار عذابه.مثل اینکه مثلا گفته میشه که عذاب قبر اون چنان شدید می شود که این زمین فشار می آورد به میت در شب اول قبر که این استخوانهای بدنش در هم فرو می روند.خب حالا ممکنه یک میتی اصلا اونجا دفن نشده مثلا تو دریاست تو دریا دفن شده یا اصلا سوخته خاکسترش بر باد رفته حالا اینکه استخوان ندارد که حتی در زمین هم که دفن نشده که زمین فشار بیاورد.نه اون هم فرموده اند که بیان مقدار عذابه.یعنی اگر بنا بود کسی را داخل زمین بگذارند و این زمین فشار بیاورد و جمع بشود و او را در تنگنا قرار بده چقدر شدت عذاب داره؟چقدر رنج میبره؟یک چنین دردی را و عذابی را احساس خواهد کرد که به اصطلاح آقایان تقدیری اگر بنا بود زمین فشار بدهد و این بدنش را در هم فرو ببرد استخوانها را چقدر درد و عذاب می کشید؟یک چنین عذابی را مرده ی شب اول قبر احساس خواهد کرد ولو در داخل زمین هم دفن نشده باشد ولو توو دریا باشد ولو هنوز گذاشته اند بیرون مثلا هنوز دفنش هم نکرده اند.مدتی هم می ماند بیرون هنوز دفن هم نکرده اند یا اینکه یک درنده ای خورده او را مثلا یا سوخته خاکسترش بر باد رفته فرق نمی کند به هر حال عذاب قبر دارد شدت عذاب قبر اون چنان است که اگر بنا بود در داخل زمین دفن بشود و زمین فشار بیاورد چقدر عذاب درد و رنج داشت.به همون کیفیت هر مرده ای در شب اول قبرش احساس اون عذاب را خواهد کرد.روز قیامت هم اون چنان شدت عذاب وحشتی دارد دهشتی دارد که اگر بنا بود یه زن شیردهی در حال شیر دادن بچه اش باشد این حال درش پیدا میشد که بچه را رها میکرد و خودشو نجات می داد چون در اون صحنه که زن نیامده که بنشیند که بچه اش را شیر بده.پس مقدار عذاب نشان داده میشه به این کیفیته تذهل کل مُرضِعَة عمّا ارضعت هر زن شیردهی اگر در حال شیر دادن بچه­اش باشد دهشت عذاب او را چنان منقلب می کند که از اون شیرخوارش غفلت می کند و تضع کل ذات حمل حملها اون هم باز از این قبیله.هر زن بارداری سقط جنین می کند سقط می کند بچه اش را.هر زن بارداری وقتی که فشار زیاد آمد و دهشت و وحشت عظیم شد خب زن باردار هم سقط می کند بچه اش را.در دنیا هم میشه از چنین کارها پیش می آید اما در عین حال این همگانی نیست و همه جائی نیست ولی در روز قیامت، همگانیه.همه ی افراد بشر احساس می کنند تَضَعُ کُلُّ ذات حمل حملها و تری الناس سُکاری خواهی دید مردم در حال مستی اند. مردم را مست می بینی اما و ما هم بسکاری ولی مست نیستند.مست شراب نیستند مست عذابند ولکن عذاب الله شدید چون مست اونیه که عقلشو از دست میده دیگه.دیگر اصلا دیگر تدبیری برای خودش ندارد.خب این چند جور مستی پیدا میشه.همش در حال شراب نیست.روز قیامت کسی شراب نخورده که مست بشود. نه در حال تحیر و سرگردانی است. مثل آدم مستی که نمی فهمد چه می کند و کجا می رود.با حیرت حرکت می کند.همه ی مردم را خواهی دید که در حال مستی اند و تری الناس سُکاری تری هم به اصطلاح مفرد آمده مخاطبش پیغمبر اکرم است شاید نشان می دهد یعنی تو خود مستثنی هستی.تو در میان اونها نیستی که مست باشی نه.می بینی مردم مستند و تری الناس سُکاری چون قبلا همه جمع بود یوم ترونها؛ "یوم ترونها" جمع بود همه ی شما می بینید یوم ترونها تذهل کل مُرضِعَة عمّا ارضعت تا اینجا که رسیده و تری الناس سُکاری تو می بینی مردم را در حال مستی.یعنی تو مستثنی هستی.تو شأنت اجلّ از اینه؛اما خب مردم را خواهی دید که در حال مستی اند اما و ما هم بسکاری نه اینکه مست شرابند ولکن عذاب الله شدید عذاب خدا سنگینه.خب این دو آیه ی شریفه که اول سوره ی مبارکه ی حج است و خیلی هم تکان دهنده است و لذا در شأن نزولش آمده که در یکی از شبهایی که رسول اکرم با سربازان اسلامی به غزوه ای می رفتند به یکی از جنگ ها،خب مردم آماده ی جان دادن هستند در رکاب پیغمبر اکرم می روند به غزوه ی بن المصطلق ظاهرا بوده در یکی از شب ها که حرکت می کردند توو بیابون می رفتند برای میدان جنگ دستور رسید از رسول خدا که متوقف بشوند.خب مردم توقف کردند لشکریان اسلامی توقف کردند توو بیابان و همه حلقه زدند دور پیغمبر اکرم و رسول خدا فرمود این آیات بر من نازل شده.در اون شب همین آیات اول سوره ی حج نازل شده یا ایها الناس اتقوا ربکم ان زلزلة الساعة شیءٌ عظیم تلاوت فرمودند این آیات را و به قدری موثر شد در اون مردم که دیگه دگرگون شدند یعنی از اسب ها پیاده شدند و به قدری اونها را وحشت گرفت حالت گریه و اضطراب درشان پیدا شد که اصلا تا صبح دیگه نخوابیدند و مجال اینکه زین ها را از دوش اسب ها بردارند هم پیدا نکردند.خیمه بزنند چادر بزنند دیگه حالشان را نداشتند چیزی غذا تهیه کنند نداشتند.تا صبح عده ای مشغول گریه بودند عده ای در حال سجده بودند در حال فکر بودند.تا صبح، بعد رسول خدا آنها را حاضر کرد بعد فرمود که میدانید این راجع به چه روزیه؟اون روزیست که از هر هزار نفر 99 نفر جهنمی خواهند بود یک نفر بهشتی خواهد بود.گریه ی اونها باز بیشتر شد.بعد فرمود که نه من امیدوارم اکثریت اون جمعیت را دیگران تشکیل می دهند.از امت من شاید یک ثلث از بهشتی ها شما خواهید بود.خب خوشحال شدند بعد فرمود که نصف بهشتی ها شما خواهید بود.بعد فرمود دو ثلث بهشتی ها شما خواهید بود.یه بشارتی دادند به امت اسلامی ولی در عین حال هم هشدار دادند که مراقب باشید.خودتان را برای اون روز آماده کنید با خواب غفلت زندگی نکنید.به همین زودی دنیا تمام می شود منقضی می شود.تعلقات دنیوی شما را گرفتار نکند.یک بار چشم باز کنید که دنیا رفته و آخرت فرا رسیده و دست آدم خالی مانده ولذا قرآن می کوشد که زیبایی دنیا را در نظرها کم کند ولی بر خلاف ما هی می کوشیم زیبایی ها را بیشتر کنیم.هی دعوت می کنیم مردم را و مردم را به دنیا بیشتر متوجه می کنیم تا به آخرت.قرآن میگه تُریدون عرض الدنیا و الله یُرید الاخره شما همش دنبال این هستید که متاع دنیا را جمع کنید.خدا،آخرت را طالب است.در این دعائی که هر روز می خوانیم لا اله الا الله عدد اللیالی و الدُّهور در این دهه ی اول ذی حجه می خوانیم

لا اله الا الله عدد امواج البحور بعد جمله ی بعد دارد لا اله الا الله و رحمته خیرٌ ممّا یجمعون عجیبه در این دعا.از اول شروع میشه لا اله الا الله به تعداد روزها و شبها،به تعداد موج های دریا ها،بعدش به تعداد عدد الشوک و الشَّجر به تعداد خارها و درخت ها،به تعداد موهای گوسفندها و بزها مثلا عَدَدَ الشَّعر و الوَبَر و چقدر یک بز مو دارد؟به تعداد موهای بزها،به تعداد پشم های گوسفندها،به تعداد ریگ های بیابان­ها، عدد الحَجَر و المَدَر دیگه به تعداد اینها لا اله الا الله اما وقتی که به دنیا می رسد به پول دنیا،نمیگه به تعداد اسکناس های هزار تومانی مثلاً،به تعداد اسکناس های پانصد تومانی،اینها را نمیگه و رحمته خیرٌ ممّا یجمعون به دنیا که رسید خیلی زود می گذرد نه ولش کن.دنیا رحمته خیرٌ ممّا یجمعون اینی که شما جمع می کنید قابل توجه نیست.این پول های شما و خانه های شما و فرش های شما چه خوبه بگه دیگه.به تعداد فرش های کاشانی،به تعداد فرش های مشهدی مثلا.بهشون بگه اینها را دیگه.اما نگفتند.چرا؟برای اینکه دنیا را در نظر انسان مسلمان جلوه ندهد.پشم ها را میگه موها را میگه ریگ ها را میگه شن ها را میگه روزها شب ها موج دریاها،اما به دنیا که می رسد بی اعتنا می گذرد ولش کن و رحمته خیرٌ ممّا یجمعون رحمت خدا را در نظر بگیرید.این خودش یه درسیه که مراقب باشید که دنیا نظر شما را جلب نکند.نگاه نکنید به خانه های دنیا داران،برقشان چشم شما را خیره می کند.نگاه نکنید صدای اسکناس که به گوش های آدم برسد جلب می کند.این جوریه دیگه.صدای سکه ها به گوش آدم برسد جلب می کند.صدای رنگ زرد سکه های طلا جلب می کند.نه قرآن می کوشد که اینها را خیلی به نظر جلوه ندهد و رحمته خیرٌ ممّا یجمعون امیدواریم که ان شاءالله در این روزها و شب ها که می گذرد دهه ی اول ماه ذی حجه مخصوصا ایام عبادت خداست و دعا و مناجات در این شبها بسیار مغتنم است.و همین دعا و مناجات هاست که روح را تلطیف می کند و حب دنیا را از دلها بیرون می کند.در دعا میگیم سیدی اخرج حب الدنیا من قلبی ، واجمع بینی و بین المصطفی و آله خیریتک من خلقک یعنی ما دلمان میخواد که بعد از مرگ محشور بشیم با آل پیغمبر دیگه.تمام آرزوی ما همینه دیگه.اصلا بهشت ما بهشت ما امام حسین ؟ع؟ است.بهشت ما جمال امیر المومنینه.بهشت ما جمال رسول خداست دیگه ولی این شرط دارد.بخواهیم با اونها محشور باشیم ببنیم جمال اونها را سیدی اخرج حب الدنیا من قلبی و اجمع بینی و بین المصطفی و اله تا آلودگی دنیا و ظلمت حب دنیا از دل من بیرون نرود لیاقت پیدا نمی کنم که با مصطفی و آل مصطفی محشور بشوم دیگه.ولی خداوند لطف می کند ان شاء الله چون داریم در حال بهشتی ها که وقتی در محضر امام حسین می نشینند جمال امام حسین را تماشا می کنند و صحبت او را می شنوند وقتی که ملائکه می­آیند و می گویند که حور العین منتظر شما هستند چرا نیامدید؟می گویند که ما مجلس امام حسین را ترجیح می دهیم بر نشستن با حور العین.تا با او هستیم دل از او نمی کنیم.امیدواریم الان که در دنیا هستیم و هرجا که پرچم امام حسین بالا می رود مجلس امام حسین تشکیل می شود ما با عشق و علاقه به سمتش می رویم همین برای ما سرمایه ای باشد که روز قیامت هم با او محشور بشویم و جمال او را بر هر چه که در اونجا هم هست ترجیح بدهیم ان شاء الله به شرطی که در این دنیا رابطه ی خودمون را با او محکم برقرار کنیم و هستیم ان شاءالله چون حب امام حسین در دل و جان ما نشسته دیگه.الان چه قدر دل­ها آرزو دارد چه میشه راه باز میشد و امسال روز عرفه را ما کنار قبر مطهر امام حسین ؟ع؟ بودیم دیگه.خوشا به حال اون کسانی که بوده­اند درک کرده اند اون صحنه ی پر شکوه را و از خدا می خواهیم خدا به ما لطف و عنایت کند تا نمرده ایم ما هم خود را یک روز عرفه ای کنار قبر مقدس امام حسین ببینیم که خیلی پیش خدا محترمند زوار و محبین امام حسین ؟ع؟ دیگه ولذا روز عرفه اول نظر لطف و عنایت به زوار امام حسین می­کند بعد به زوار خودش که در عرفات جمع هستند اونها مهمان های خدا هستند ولی خدا اول به مهمان های امام حسین توجه می کند و عنایت می کند.اما مولای ما روز عاشورا مگر جمالش در مقابل چشم اون مردم جلوه نکرد؟مگر سخنانش به گوش اون مردم نرسید؟ ولی چطور بود اون سنگدل ها اون بدبخت ها نتوانستند از اون جمال بهره ای بگیرند و از اون نغمه ی لطیف آسمانی او استفاده ای کنند بلکه سنگ پرتاب کردند به چهره ی مبارکش.پیشانی مقدس امام حسین شکست و بعد هم تیر سه شعبه ی زهر آلود به قلب مقدسش.صلی الله علیک یا مولانا یا ابا عبد الله الحسین.صلی الله علیک و علی الارواح التی حلت بفنائک.خدایا به آبروی امام حسین ؟ع؟ آبروی ما در دنیا و برزخ و محشر مریز.پروردگارا حسن عاقبت به همه ی ما عنایت بفرما.قلب های ما را به نور ایمان منورتر بگردان.محبتشان را در دل ما رسوخ بیشتر عنایت بفرما.حسن عاقبت به همه ی ما مرحمت بفرما.رحم الله من قرء الفاتحة مع الصلوات